Journal of Comparative Civil Procedure
Vol. 2, Special Issue 2026

Specialised & Scientific Bi-Quarterly
https://www.compcp.ir/

Function, Validity and Values of Investigative Measures

(With reference to Judgment No. 9509970909100461 dated 06/09/1395 of Branch 3 of the Supreme Court)

Seyyed Abbas Mousavi: Retired judge of Supreme Court, PhD in Private Law.
email: amousavi50@yahoo.com

Investigative measures constitute a beneficial and effective mechanism that, alongside the evidence supporting claims and defenses, provides the judge with a clear perspective and assists in uncovering the facts and realities surrounding the dispute. Drawing inspiration from foreign procedural laws—specifically the French Code of Civil Procedure (including the CPC, Chapter 5 of Title VII, Articles 232 et seq.)—the Iranian legislator adopted this useful legal instrument and incorporated regulations governing it into Chapter 10 of the Code of Civil Procedure. The importance of investigative measures becomes particularly evident when a case is free from procedural defects or deficiencies, and the judge seeks to address the merits of the dispute and lay the groundwork for a final, substantive ruling. Unless the defendant unequivocally accepts the plaintiff's claim, or the demand is supported by such strong evidence that judicial inquiry is unnecessary, the judge almost invariably requires this mechanism to achieve judicial conviction and issue a well-reasoned judgment. The employment of investigative measures demonstrates the judge's acumen and prudence, thereby enhancing the credibility of the decision. Such a decision—particularly when rendered by Supreme Court justices during cassation proceedings—carries heightened significance, reflecting their profound sense of responsibility regarding the outcome of the case and the rights of the interested parties. Drawing upon the insights gained from experience and profound analysis, they identify the obscure aspects of the dispute and the shortcomings in the proceedings, viewing the resolution of the conflict as achievable through one or more investigative measures.

Keywords: Investigative measures; Civil procedure; Supreme Court; Facts; Judgment

دو فصلنامه علمی ـ تخصصی
نوع مقاله: پژوهشی

مجله آیین دادرسی مدنی تطبیقی
https://www.compcp.ir/

کارکرد، اعتبار و ارزش‌های مترتب بر تدابیر تحقیقی

(با نگاهی به رای شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۹۱۰۰۴۶۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۶ شعبهٔ سوم دیوان عالی کشور)

نوشتهٔ
سید عباس موسوی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۷/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۰۶

چکیده

تدابیر تحقیقی، ساز و کار سودمند و مؤثری است که در کنار دلایل اثبات دادخواهی و دفاع، چشم‌انداز روشنی فراروی دادرس قرار داده و دستگیر او در جهت دسترسی به واقعیت‌ها و حقایق پیرامون موضوع دعوا می‌شود. قانونگذار ما با الهام از مقررات دادرسی و آیینی خارجی به ویژه قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و فصل پنجم باب هفتم CPC (مواد ۲۳۲ به بعد) این نهاد سودمند را شناسایی نمود و مقررات پیرامون آن را در فصل دهم قانون آیین دادرسی مدنی بازتاب داد. اهمیت تدابیر تحقیقی به ویژه هنگامی که دعوا درخور ایرادها و نارسایی‌های شکلی نیست و دادرس دادگاه در پی ورود ماهیت مناقشه و به دنبال زمینه‌سازی برای اتخاذ تصمیم ماهوی و پایانی است، نمایان است. جز آنجا که خوانده بی چون و چرا ادعای خواهان را می‌پذیرد یا خواسته به اعتبار دلیل اثباتی قوی نیازمند پرسشگری و جستجوی قضایی نیست، همواره دادرس نیازمند بکارگیری این نهاد به منظور اقناع قضایی و صدور حکم توجیه‌پذیر است. بهره‌مندی از تدابیر تحقیقی، هوشمندی و درایت دادرس را بر ملا ساخته و به اعتبار تصمیم او می‌افزاید. این تصمیم یا دلالت به اتخاذ آن در مقام رسیدگی به فرجام‌خواهی و از سوی قاضیان دیوان عالی کشور ارزش دو چندانی دارد و حس مسئولانه ایشان را به سرنوشت دعوا و حقوق ذینفعان متبلور می‌سازد. آنها با بهره از گوهر تجربه و ژرف‌اندیشی زوایای پنهان مانده دعوا و کاستی‌های جریان رسیدگی را دریافته و پایان دادن به مناقشه را از رهگذر یک یا چند تدبیر تحقیقی ممکن می‌بینند.

کلیدواژه: تدابیر تحقیقی؛ دادرسی مدنی؛ دیوان عالی؛ وقایع؛ رأی

* قاضی بازنشسته دیوان عالی کشور و دکتری حقوق خصوصی. amousavi50@yahoo.com

مقدمه

برابر ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی: «در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد». پیش از این در زیسته مقررات آیینی ماده ۸ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ اجازه هرگونه تحقیق یا اقدامی را برای کشف واقع به درخواست دو سوی دعوا و یا انتخاب سرخود دادرس صادر کرده بود. از آن هنگام قاعده منع تحصیل دلیل به نفع اصحاب دعوا که مانعی پیش روی دادرسان دادگاه‌های حقوقی در جستجوی وقایع و جریان آن بود و این بستر سازنده را تنها با نقش‌آفرینی ذینفع میسور می‌نمود، تعدیل یافت. دادرسان دیگر تماشاگر بازی و جریان‌سازی دو سوی دعوا نبوده و ابتکار عمل را در اداره جریان رسیدگی به دلایل به دست گرفتند.

تدابیر تحقیقی سلسله‌ای از ساز و کارهایی است که بسته به موضوع دعوا، خواست موجه یکی از دو سوی دعوا، احساس نیاز دادرس در پیوند با خواسته دعوا بکار گرفته می‌شود. در این دامنه از مهم‌ترین این تدابیر می‌توان به: قرار کارشناسی (مواد ۲۵۷ به بعد ق. آ. د. م)، قرار معاینه محلی (ماده ۲۴۸ ق. آ. د. م)، قرار تحقیق محلی (ماده ۲۴۹ ق. آ. د. م)، قرار رسیدگی به صحت و اصالت سند (ماده ۲۲۳ ق. آ. د. م)، قرار نیابت قضایی (ماده ۲۹۰ ق. آ. د. م)، قرار استطلاع از جریان ثبت (ماده ۱۹۹ ق. آ. د. م) اشاره نمود. اتخاذ هریک از این تصمیمات چشم‌انداز روشنی پیش روی دادرس گذاشته و چراغ امید را سوی صاحب حق دعوا روشن می‌نماید. ارزش‌های مترتب بر این تصمیم فراوان است. دادرس به پشتوانه این تصمیم شایسته به مسائل، وقایع و حقایق پیرامون ماجرا دسترسی بهتری یافته و با تکیه بر نتایج آن به اقناع قضایی[1] رسیده و می‌تواند ساختار، عناصر مهم به ویژه استدلال و توجیه و منطوق رأی را درست و سنجیده تنظیم نماید. این نتیجه سرانجام به اعتبار و وزانت رأی کمک نموده و به همراهی مخاطبین خاص و عام آرای قضایی می‌انجامد. تصمیمی که به ویژه در دعاوی منجر به حکم کمتر دیده می‌شود یا اگر مشاهده شود در مواردی با نارسایی‌هایی چون عدم نقش‌آفرینی شخص دادرس در پرداخت یا اجرای تدبیر مواجه است.

اتخاذ این تصمیم از سوی شعب دیوان عالی کشور چه در مقام رسیدگی به اعاده دادرسی و چه فرجام‌خواهی اهمیت دوچندانی دارد. انتظاری که عرف جاری به وجود آورده؛ بررسی گذرا و ممیزی شکلی در این مقام است. اما گاه با قاضیان باتجربه و صاحب‌نظری روبه‌رو می‌شویم که برخلاف انتظار با تأمل و ژرف‌اندیشی به همه زوایای

1. Judicial Satisfaction.

ماجرا رسوخ کرده، اهمیت این تصمیم را دریافته و با اتخاذ آن یا دلالت دادگاه صادرکننده رأی در بکارگیری آن جریان دادرسی را پاکیزه ساخته و به بهبود دادرسی با رسیدن به تصمیم پایانی عادلانه کمک می‌نمایند. در همین راستا با تمرکز بر یکی از دادنامه‌های صادر از شعبه سوم دیوان عالی کشور به ریاست قاضی شریف و ارجمند جناب آقای غفارپور، اهمیت، ویژگی‌ها، کارکرد و اعتبار تدابیر تحقیقی را جستجو می‌نماییم.

۱. متن دادنامه و نکات و عناصر مهم آن

دادنامه برگزیده از شعبه محترم سوم دیوان عالی کشور محتوی نقض دادنامه فرجام خواسته برابر بندهای ۲ و ۵ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی است. این دادنامه از جهت اهمیت دادن به موضوع دعوا ورای ارزش خواسته، ارزش نهاد تدابیر تحقیقی، توجه به مسائل و واقعیت‌های پیرامون مناقشه و دلالت درست به دادرس صادر کننده رأی درخور توجه است.

آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure

۱-۱. متن دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۹۱۰۰۴۶۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۶

موضوع دعوای منجر به دادنامه مزبور مطالبه خسارت وارد بر دیوار ساختمان خواهان به سبب وقوع انفجار در جریان عملیات راه سازی نهاد دولتی و حاکمیتی خوانده به مبلغ هفت میلیون و یکصد هزار تومان و مطالبه خسارت دادرسی است. دادگاه نخستین پس از جلب نظر کارشناسی با احراز رابطه سببیت بین فعل خوانده (انفجار در جریان راه سازی و ورود خسارت به دیوار ساختمان خواهان) بر پایه نظریه کارشناس رسمی دادگستری تا مبلغ چهار میلیون و ششصد و پنجاه هزار تومان حکم بر محکومیت خوانده با احتساب خسارت دادرسی صادر نمود و برای بیش از آن حکم به بی‌حقی خواهان صادر کرد. خوانده دادباخته در چارچوب بند ۱ فراز الف ماده ۳۶۷ و بندهای ۲ و ۵ ماده ۳۷۱ ق. آ. د. م از این رأی، فرجام‌خواهی می‌نماید. شعبه سوم دیوان عالی کشور برابر دادنامه یاد شده با اعلام نقص تحقیقات، دادنامه فرجام خواسته را نقض و پرونده را جهت ادامه رسیدگی بر مبنای تحقیقات اِشعاری در رأی به دادگاه صادر کننده باز می‌گرداند.

۱-۲. نکات برجسته در رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور

در رأی شعبه محترم دیوان عالی چند نکته جالب دیدنی است:

۱. شعبه دیوان در همان سطر نخست مستند به قانون و همراه با استدلال صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی و صلاحیت خود در رسیدگی فرجامی را توجیه نموده است؛

۲. ارزش کم خواسته دعوا (مبلغ هفت میلیون تومان) بر خلاف آنچه در پاره‌ای از آراء و

رویه دادگاه‌ها دیده می‌شـود، موجب توجه اندک و گذر قضات محترم شـعبه دیوان از مبانی و نکات مهم دعوا نشده است؛

۳. در این رأی به عنصر نخسـت و مهم در مسـئولیت مدنی یعنی اثبات وقوع انفجار منجر به خسـارت (فعل زیانبار خوانده- فرجام خوانده) تمرکز شده و فقدان دلیل مثبت این امر یادآوری شده است؛

۴. شعبه دیوان به این حد بسنده ننموده و همچون راهنمایی مشفق دیگر جهات و مسیرهای رسـیدگی دوباره در ترمیم و بازسـازی جریان دادرسی پیشین را یادآور شده است. در این رهگذر جلوه‌های زیر دیدنی است:

۴-۱. رسیدگی تقابلی و تناظری در موضوع دلیل وقوع انفجار و پیوند آن با زیان مورد ادعا؛

۴-۲. اخذ توضیح از فرجام‌خوانده (داد برده) در خصوص ادعا و مبانی و دلایل آن؛

۴-۳. بکارگیری تدبیر تحقیقی و قرار مقدماتی در راسـتای ماده ۱۹۹ ق. آ. د. م پیرامون زمان و مکان حادثه؛

۴-۴. تحقیق از اهالی و آگاهان محل در خصوص قصه قضیه؛

۴-۵. پس از جریان تدابیر یاد شده، اخذ توضیح از کارشناس رسمی؛

۵. دادنامه شـعبه محترم دیوان کوتاه اما گویا و رسـا هست. مصداق بارز «رأی باشکوه»[1] با آموزه آندره بارو، استاد حقوق دانشکده آکسفورد و در بر دارنده هر سه عنصر: روشنی (Clarity)، پیوستگی (Coherence) و کوتاهی (Conciseness) است[2]؛

۶. شـعبه محترم دیوان سـرانجام بر دریافت نتیجه لازم و احراز رابطه سـببیت بین رخداد ناخوشایند و زیان ناروای مورد ادعا تصریح می‌نماید؛

درنگ و اندیشه بر چند سطر رأی شعبه محترم دیوان افزون بر آنکه وسواس و دادگری مطلوب صادر کننده رأی را متبلور می‌سازد، می‌تواند یک راهنما و پِلَن دادرسی (Planning Procedure) حتـا در موضوع کم اهمیت فراروی پژوهشـگر در این قلمرو قرار دهد. نگاه ظریف به این رأی جهت گردآوری، دسـته‌چینی و تنظیم هدفمند نارسـایی‌ها و چگونگی مرتفع ساختن آنها آموزنده است. برای نمونه خردمندانه دریافت دیدگاه تکمیلی و توضیحی کارشـناس پس از تحقیق محلی یادآوری شده چه کارشـناس می‌تواند با تکیه بر داده‌های حاصل از تحقیقات محل و معاینه محل و توضیحات خواهان به نحو بهتر و آگاهانه دیدگاه نهایـی خود را اعلام دارد. حتا برنامه اعلامی شـعبه دیوان مانع اتخاذ «قرار توأمان تحقیق

1. Charismatic Judgements.
2. Burrows. Andrew, 2014, Judgement – Writing: An Academic Perspective, FBA, Legal Research Paper Series. p. 2.

محلی، معاینه محل و کارشناسی» نمی‌شود. این قرار تجمیعی برغم نبود مستند حکمی «منع قانونی نداشته و اهداف دادگاه را در فرآیند دادرسی بهتر در دسترس قرار می‌دهد». [1]

۱-۳. قرار تحقیق و معاینه محلی

قرار تحقیق و معاینه محل نمونه‌ای شایع از دسته «قرارهای اعدادی یا مقدماتی» [2] است که دادرس در صورت معد بودن دعوا و رسیدگی با ورود در ماهیت، به درخواست ذینفعان در دعوا یا به تشخیص خود از آن بهره می‌جوید. قرار مقدماتی و اعدادی «قرار قرینه» [3] توصیف شده چه نشانه‌ای بر جهت‌گیری دادرس اتخاذکننده به احراز اصل ادعا و کنکاش پیرامون کم و کیف آن است. «هرچند دادرس دادگاه می‌تواند آزادانه منظور خود از صدور قرار را روشن کند و پایبند مفهوم عرفی آن نیست. چه ممکن است صدور قرار در اثر اشتباه یا نا آگاهی از مقررات باشد [4]». از این رو مشهور شده که: «قرار قرینه دادرس را مقید نمی‌کند» [5]. بدین معنی که قرار قرینه برگشت‌پذیر و درخور رویگردانی است و دادرس بسته به نتایج قرار یا متغیرهای گوناگون حق تصمیم‌گیری خلاف مفهوم عرفی قرار قرینه را دارد [6].

پیرامون این قرار مهم و جاگیری آن در ساختار اندیشه قضات محترم دیوان چند نکته درخور یادآوری است:

۱. اتخاذ قرار یاد شده به منزله تجاوز از قاعده منع تحصیل دلیل به نفع اصحاب دعوا نیست. این تصمیم ریشه در یک مصلحت بزرگ دادرسی دارد که؛ خواهانِ تماشاگر صرف دادرس بر جریان دادرسی نیست بلکه برای او حتا در دامنه محدود اشتغال دادرسی ابتکار عمل و تلاش برای کشف واقع و اقناع وجدان قضایی قائل است.

۲. مبنای قانونی قرار تحقیق محل اشعاری در رأی یاد شده، افزون بر حکم کلی ماده ۱۹۹ ق. آ. د. م [7] ماده ۲۴۹ این قانون می‌باشد.

۳. قرار معاینه محل اگرچه به روشنی در رأی شعبه محترم دیوان نیامده است اما دادرس

---

۱. موسوی، سید عباس، مهارت‌های دادرسی، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۴۰۴. ص ۶۵۲.

2. Interlocutory Orders/ Judgements Preparatory.

3. Judgement Interlocutory.

۴. کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، چاپ چهارم. ۱۳۷۳. ش ۳.

5. Interlocutoire ne lie pas>.

6. E. Garsonnet et Ch. Cesar Bru. Traité Théorique et Pratique de Procédure Civile et Commerciale. Gale, Making of Modern Law. 2013. 3e ed. Tome 3. P. 436.

۷. ماده ۱۹۹ ق. آ. د. م :«در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد».

نخستین می‌تواند بر پایه ماده ۱۹۹ و نیز ماده ۲۴۸ ق. آ. د. م از آن بهره جوید. این قرار از فحوای رأی شعبه دیوان به ویژه عبارت «پیرامون اقدامات فرجام‌خواه در راه سازی و انفجار مورد ادعا و زمان و مکان آن» درخور استناد است.

۴. آنچــه موضوعیت دارد تنها قرار یا قرارهای مورد نظر شــعبه دیوان نیســت بلکه هدف اصلی یعنی کشــف واقع و دسترســی به حقیقت ماجرا هســت که در این راستا دست دادرس گشاده و فرصت‌های تحقیق برای هر سه بازیگر در دادرسی مهیا می‌باشد.

۵. برابر این رأی، صادرکنندگان نشــان داده‌اند که افزون بر «هنر اســتدلال قضایی»[1]، عنصر توجیه[2] و اقناع[3] برای ایشــان بسیار اهمیت داشته و هر سه‌ی اینها موجب آفرینش یک رأی عادلانه، منصفانه و رضایت‌بخش می‌گردد.

۶. رأی شــعبه دیوان با تمرکز بر تدابیر تحقیقی، الهام‌بخشی و جهت‌دهی به دادرسِ دادگاه نخســتین، زاویه دیگری را هم می‌شــکافد و آن اینکه دادرســان محترم دیوان «در پی آفرینش یک رأی وجیه که هم‌ســوی حق و عدل بوده و هم‌ســوی دو طرف دادرســی باشد»[4] را در نظر گرفته‌اند.

۷. شعبه محترم سوم دیوان عالی کشور از گذشته‌ها دارای «سبک حقوقی»[5] ویژه است. در نزدیک به تمام آراء جناب غفارپور و همکار محترم ایشان با تمرکز بر عناصر مهم دعوا و پرداخــت روشــن ماجرا به موجب رأی به همه زوایا و ابعــاد موضوع پرداخته و در نتیجه‌گیری دغدغه کشف واقع و رسیدن به حقیقت امر را دارند. نادیده گرفتن تدابیر و ساز وکارهای تحقیقی و قرارهای آماده‌ساز رأی یا طی مسیر نادرست در این ره‌گشت، وسواس ایشان را برانگیخته و منجر به دادنامه‌هایی از گونه مورد بحث می‌گردد.

این اهتمام و حقیقت‌خواهی حتا نسبت به یک دعوای با خواسته کمتر از ده میلیون تومان درخور ستایش اســت. در پرونده‌های با موضوع وقف و حجر که در صلاحیت اختصاصی آن شــعبه است بیشتر و روشن‌تر به این جدیّت و اهتمام، پی می‌بریم. وجود نازنین ایشان و تنی چند از قاضیان فرهیخته و ســالخورده اما سرشــار از انرژی و انگیزه موهبت گرانبهایی برای دستگاه دادگستری است. این حضور ارزش‌آفرین چراغ امید به دادگری در دادگستری را تلألؤ می‌دهد و نور امید در دل دادخواهان را گرم و منور می‌دارد. امید که صاحب‌منصبان این دستگاه قدر چنین گوهرهای گرانبهایی را درک نموده و در پاسداشت ایشان بکوشند.

---

1. Art of Judicial Reasoning.
2. Justification.
3. Persuasion.
۴. جعفری تبار، دکتر حسن. دیو در شیشه. فلسفه رویه قضایی. نشر نگاه معاصر. چاپ یکم. ۱۳۹۶. ص ۱۶۹.
5. Legal Style.

۲. رویکرد و کارکرد تدابیر تحقیقی

تدابیر تحقیقی برغم گوناگونی و گستردگی دارای اهداف و کارکرد بیش و کم یکسانی هستند. آرمان این نهاد نتیجه‌گیری درست با رأی شایسته و عادلانه در پرتو جستجوی درخور و تکیه بر یافته‌های واقعی است. کاربرد این نهاد به تضمین دادرسی عادلانه و شفافیت عملکرد قضایی می‌انجامد. نُضج و رویه‌سازی آن سلامت و اتقان آرای قضایی را فزونی بخشیده و به تدریج باور عمومی را به این منبع اثرگذار و مهم موجب شود. دسترسی به واقع ماجرا و حقایق پیرامون آن و زمینه‌سازی در صدور رأی یا نتیجه پایانی دادرسی دو رویکرد و کارکرد مهم نهاد تدابیر تحقیقی است.

۲-۱. دستیابی به واقعیت‌ها و دسترسی به جریان ماجرا

درمتن ماده ۱۹۹ ق. آ. د. م؛ هدف و آرمان تدابیر تحقیقی «کشف حقیقت» اعلام شد. حق از منظر واژه شناسی در معانی؛ خلاف باطل، واجب، ثابت، باور، مال، درستی و عدالت بکار رفته است[۱]. اما در مفهوم حقوقی حق به؛ دستاورد، امتیاز و زمینه‌ای اطلاق شده که دارای ویژگی‌هایی چون: امکان واگذاری ارادی، امکان انتقال قهری[۲]، قابلیت انصراف و رها ساختن مانند: ابرای ذمه مدیون؛ انصراف از حق تحجیر[۳]، اطلاق شده است.[۴]

در منطق دادرسی، حق درخور دسترسی به وسیله تدابیر تحقیقی با حقیقت واقعی موضوع دعوا همواره یکسان نیست. دسترسی به چنین حقی دشوار و گاه ناممکن است. اما دادرسی تا سرحد توان تکلیف دارد با بهره از فرصت‌ها و زمینه‌هایی که پیش رو دارد، واقعیت‌ها و مسائل مرتبط با موضوع دعوا را بیابد. به ویژه که او دادخواهی را از منظر شکلی بی کم و کاست یافته و در پی وضع حکم نسبت به ماهیت مناقشه است.

برای آنکه بهتر بتوان واقعیت‌ها و مسائل مرتبط با دعوا را پیدا نمود، صدور توأمان چند قرار تحقیقی مانند: معاینه محل، تحقیق محلی و استطلاع از جریان موضوع و نیز آمیزش این تدابیر با قرار کارشناسی، بسیار سودمند است. اجرای یکباره این تدابیر نه تنها منع قانونی ندارد بلکه دادگاه را در فرآیند دادرسی با سرعت بیشتر و به نحو مطلوب‌تر به

۱. مشکینی، میرزا علی. مصطلحات الفقه. انتشارات الهادی. ۱۳۷۷. جلد نخست. ص ۲۱۳.
۲. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر. دوره حقوق مدنی- ارث. جلد نخست. چاپ ششم. انتشارات گنج دانش. ۱۳۹۳. ص ۳۴.
۳. عاملی (شهید اول). محمد بن مکی، اللمعه الدمشقیه و الروضه البهیه فی فقه الامامیه. بیروت. دار التراث. چاپ نخست. ۱۴۱۰ ه. ق. ص ۱۹۳.
۴. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. حاشیه کتاب مکاسب. جلد نخست. انتشارات اسماعیلیان. ۱۳۷۰. ص ۲۸۱.

هدف کشـــف واقع کمک می‌کند. در ماده ۱۴۸ کد نوین آیین دادرســـی مدنی فرانسه[1] آمده: «دادرس می‌توانـــد ترتیبات تحقیقی متعدد را در قالب یک تحقیق انجام دهد. او می‌تواند، هر لحظه و حتا در جریان اجرا، تصمیم به الحاق ترتیب تحقیقی دیگر به مورد دستور قبلی اتخاذ نماید». [2]

۲-۲. زمینه‌سازی برای تصمیم پایانی

کارکرد مهم دیگر تدابیر تحقیقی آماده‌سازی پرونده به منظور اتخاذ تصمیم پایانی یا انشای رأی اســـت. تدابیـــر تحقیقی بر این مبنا به قرارهای آماده‌ســـاز رأی توصیف شـــده‌اند[3]. در نزدیک به تمام موارد که مناقشـــه ســـرانجام با رأی ماهوی به پایان رسیدگی می‌رسد، اتخاذ تدابیر تحقیقی گریزناپذیر است. این تدابیر بستر لازم برای مهیا سازی پرونده فراهم نموده و اسباب و زمینه‌های حکم و رأی ماهوی را پیش روی دادرس قرار می‌دهد.

وقایع، عنصر مهم رأی است که حقیقت دعوا و حکم راجع به آن را بر مبنای امور جزئی هویدا می‌ســـازد. وقایع بسان ذرات مهمی است که ماده‌ای را هستی می‌بخشد. ممکن است رخدادهای پیرامون موضوع گوناگون و گاه ناساز با هم باشد. مشاهده این گوناگونی و کشف راه حل برون رفت از این تعارض، مأموریت اصلی دادرس است. این تلاش و تکاپو پرونده را مستعد رأی شایسته نموده و رأی قاضی را قانع‌کننده و مدلل یا «راسیو»[4] می‌نماید. [5]

۲-۳. پایان‌بخشی به مناقشه

کارکرد دیگر تدابیر تحقیقی پایان دادن به مناقشـــه و بستن هرگونه روزنه‌ای در از سرگیری دعـــوا و تحمل هزینه‌های زیانبار و ناگوار آن اســـت. این نتیجه البته در صورتی اســـت که دادرس آگاهانه با مبنای درست، بهنگام و با ترسیم دقیق چگونگی و هدف از اتخاذ تصمیم تدبیـــر مورد نظر را اتخاذ نماید. همین‌طور «در ترتیب و جریان تدابیر تحقیقی اصل تقابلی بودن دادرســـی و احترام به حقوق دفاعی دو ســـوی مناقشه را رعایت نموده و در این راستا طرفین را از زمان و مکان رســـیدگی و تحقیق آگاه نموده و اظهارات و دیدگاه‌های اصحاب دعوا را در صورتمجلس دادگاه بازتاب دهد». [6]

آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure
ویژه‌نامه نکوداشت
قاضی حسن غفارپور
مراغی رئیس شعبه
سوم دیوان عالی
کشور، ایران - ۱۴۰۵

1. Code de Procéedure Civile. 1975.

۲. محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فرانسه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵، جلد ۱، چاپ چهارم، ص ۱۲۶.

۳. بنگرید: موسوی، سید عباس، قرارهای آماده ساز رأی دادگاه، مجمع علمی فرهنگی مجد: majdpub.ir

4. Ratio Decidendi.

۵. موسوی، سید عباس، پیشین. ص ۵۲۳.

۶. محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹، چاپ پنجم. ص ۲۴۰.

مقصود از پایان‌بخشی مناقشه، منتفی شدن جریان شکایت از رأی یا حتا از سرگیری مناقشه با دگرگونی یکی از عناصر مهم آن (اصحاب دعوا، موضوع دعوا و سبب دعوا) نیست. مقصود آن است که اتخاذ درست و هدفمند تدابیر تحقیقی چنان ارزش و کارکردی دارد که شکایت از رأی مبتنی بر نتیجه آن را کم اثر نموده و همین‌طور دعوای تکراری را کم فروغ می‌سازد.

۳. ویژگی‌های تدابیر تحقیقی

تدابیر تحقیقی دارای ویژگی‌های مشخصی است که تمایز آن را از سایر تصمیمات قضایی روشن می‌سازد. از این تأسیس با عنوان قرارهای مقدماتی[1]، اعدادی و حتا «احکام تمهیدی[2]» یاد می‌شود و در هر عنوان با ویژگی‌ها و اهداف مورد نظر دنبال می‌شود. اما به هر روی مانند قرارهای قاطع دعوا و حکم در پایان دادرسی، قاطع دعوا نیست. نیز مانند قرارهای تأمینی و موقتی واجد اثر اجرایی و منجر به ایستایی یک جریان یا بازداشت مال نمی‌شود و مانند قرارهای شبه قرار قاطع دعوا به بیرون رفتن پرونده از اختیار رسیدگی دادرس یا دادگاه مرجوعٌ‌الیه نمی‌انجامد و مانند قرارهای تمهیدی و اجبار کننده[3] (موضوع ماده ۷۲۹ ق. آ. د. م سابق) ایجاد الزام یا ضمانت اجرا نمی‌کند. این تدابیر همواره در مواردی که دادرس از رهگذر رسیدگی ماهوی رهسپار دنیای واقع ماجرا هست به تشخیص و اراده او یا به درخواست یک یا هر دو سوی دعوا اتخاذ می‌شود و از این رو می‌تواند برای هریک از بازیگران نقش‌آفرین در کارزار دادرسی رمز و نشانه‌ای باشد.

۳-۱. اماره‌ای به سود خواهان دعوا

استادان حقوق دادرسی و شارحین مقررات آیینی به پیروی از فرهنگ حقوقی دالوز[4] تدابیر تحقیقی چون قرار کارشناسی، قرار تحقیق یا معاینه محلی، قرار استطلاع از جریان ثبت، قرار رسیدگی به صحت و اصالت سندِ مستند دعوا و تفاسیر آنها را «قرارهای قرینه یا تمهیدی[5]» خوانده‌اند. زیرا اگرچه به طور قطعی هیچ یک از مسائل مورد اختلاف را حل نمی‌کند اما قرینه‌ای است بر اینکه دادگاه سرانجام دعوا را در کل یا قسمتی از آن قبول یا رد می‌کند. [6]

---

1. Jugements Préparatoires.

۲. تعبیری که حقوقدانان مصری مانند احمد سنهوری برگزیدند. نقل از: کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، پیشین، ش. ۹۵.

3.comminatoires.

4. Cécile Chainais, Frédérique Ferrand, Serge Guinchard & Lucie Mayer, Procédure civile Paris, (Dalloz) 2019, pp. 903–905.

5. Jugements Interlocutoires.

۶. کاتوزیان، ناصر، پیشین؛ شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران، دراک، ۱۳۸۶، چاپ ۱۵، ش ۴۸۴.

اگرچه در بیشتر نمونه‌ها بکارگیری هر یک از این تدابیر بنا به درخواست خواهان دعوا و در پی جلسه نخست دادرسی است و از این رو در آغاز امر نشانه‌ای به تشخیص دادگاه به استحقاق خواهان نسبت به تمام یا بخشی از خواسته است و آنچه بدین سبب برای دادرس مبهم و گمانیک است؛ میزان استحقاق یا چند و چون ماجرا است، اما محدود نمودن این تأسیس مهم و سودمند به این ویژگی یا رویکرد، منطقی و موجه نیست. در پیدایی و شناسایی ویژگی‌ها و نتایج تدابیر تحقیقی با متغیرهای گوناگونی چون درخواست کننده، منشأ اتخاذ تصمیم، هدف و رویکرد دادرس، موضوع دعوا و نقاط ابهام آن روبرو هستیم و هریک از این مبانی ویژگی مورد نظر را از نقطه نظر مبتکر عمل و ذینفع آن متفاوت می‌نماید.

۳-۲. اماره‌ای به سود خوانده

قرارهای اعدادی یا تدابیر تحقیقی همیشه به اراده و درخواست خواهان اتخاذ نمی‌شود. گاه خوانده یا وکیل او مبتکر این جریان بوده و بهره‌مندی از آن را با منافع خود سازگار می‌بیند. اگرچه بر پایه اصل ترتب و به شیوه جاری خوانده دعوا در آغاز به سوی ایرادها و نارسایی‌های شکلی دعوا رفته و به دعوا از این منظر حمله‌ور می‌شود اما گاه ورود به ماهیت دعوا و با ساز و کار تدابیر تحقیقی برای خوانده سودمند است. می‌توان در حالت‌ها و وضعیت‌های زیر رویکرد خوانده به اتخاذ هر یک از تدابیر تحقیقی را مشاهده کرد:

۱. در مواردی که دعوا از جهت شکلی فاقد هرگونه نارسایی و ایراد شکلی است و چاره‌ای جز ورود در ماهیت آن نیست؛

۲. در وضعیتی که دعوا دارای یک یا چند ایراد یا نارسایی شکلی است اما خوانده یا وکیل او با ارزیابی لازم و بر پایه هنر استدلال و شم حقوقی[1]، پرهیز از بیان ایراد شکلی و ورود مستقیم به ماهیت دعوا را مناسب می‌یابد؛

۳. در جایی که خوانده دعوا با ساز و کار دادخواهی طاری خود در قامت یک مدعی برابر خواهان اصلی قرار گرفته و دریافت نتیجه را مستلزم صدور قرار اعدادی می‌داند؛

۴. هنگامی که دادگاه قرار اعدادی صادر نموده و نتیجه آن علیه خوانده است و خوانده به منظور بی‌اعتبار ساختن نتیجه و داده حاصل از آن، صدور قرار اعدادی دیگر را لازم می‌بیند؛

۵. در مواردی که دلیل خواهان سند رسمی یا سند عادی در حکم سند رسمی یا سند عادی و دلیل مصون از اظهار انکار و تردید است و اتخاذ یک قرار اعدادی چون قرار رسیدگی به صحت و اصالت سند یا قرار ارجاع به کارشناس، راه برون‌رفت از وضع ناگوار است.

1. Legal Intuition.

۳-۳. اماره‌ای به سود دادرس

اگـر بخواهیم صدور قرار اعـدادی را با وصف و ویژگی قرارِ نشـانه ببینیم، بارزترین این نشـانه معطوف به شخص دادرس مبتکرِ قرار اسـت. قرار مزبور بیش از ذینفع آن سودمند برای دادرس اسـت. اتخاذ چنین تصمیمی نشـانگر تکاپو، جدی بودن و آهنگ رسیدن به حقیقت اسـت. آن هم در این هنگامه که انفجار دعاوی پدیده دل‌آزار برای دادگسـتری و دلبستگان به آن است و قرارگرایی، فرهنگ غالب در بخشی از مراجع قضایی شده، کاربرد تدابیر تحقیقی سرشت مطلوب، حس مسئولانه[1] و دغدغه جدی دادرس مبتکر را در نیل به عدالت هویدا می‌سـازد. همین‌طور می‌توان این تصمیم را تبلور شرافت قضایی[2]، صداقت قضایی[3] و انصاف دادرسی[4] دانست.

حکم و تصمیم ماهوی بیش از قرار و تصمیم شـکلی و شـم حقوقی و هنر اسـتدلال قضایی[5] را برملا می‌سـازد. دادرسی که دغدغه روشـنگری[6]، شفاف‌سازی[7] و اقناع وجدان قضایی دارد و با مناقشـه‌ای روبرو اسـت که فاقد نقص و نارسـایی شـکلی است، گریز و گزینه‌ای جز تدابیر تحقیقی پیش‌رو ندارد.

۴. دامنه نفوذ و اعتبار تدابیر تحقیقی

تدابیر تحقیقی چه پیامدهای حقوقی در پی داشـته و چه آثاری بر جای می‌گذارد؟ پرسـش جـدی پیرامون این نهاد دامنه نفوذ، میزان اعتبار و قدرت اسـتناد و امکان عقب‌نشـینی از درخواست، صدور قرار یا نتایج آن است.

۴-۱. پیامدهای حقوقی تدابیر تحقیقی

تدابیر تحقیقی یا قرارهای اعدادی به عنوان یک تصمیم قضایی و حاصل یک روند تحقیقی در بردارنده آثار گوناگونی اسـت. از مهم‌ترین و برجسـته‌ترین آثـار و پیامدهای این نهاد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۴-۱-۱. توان اثباتی

تصمیـم دادرس بـه اتخاذ هریک از قرارهای اعدادی و سـپس شناسـایی و اعتبار نتیجه حاصلـه همانند احکام قضایی درخور ارزش حقوقی و توان اثباتی اسـت. این ره‌آورد را

1. Sense of Responsibility.
2. Judicial Integrity.
3. Judicial Candor.
4. Equity.
5. Art of Judicial Reasoning.
6. Illustration.
7. Clearly.

می‌توان مشمول تعریف سند رسمی برابر ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی دانست و ادعای مخالفت با آن را تنها از دو رهگذر طرح شکایت نسبت به اصل رأی و یا اقناع دادرس به مؤثر بودن ایراد و دست‌یابی به واقعه یا حقیقت تازه در بی‌اعتباری آن میسور دانست. مانند اینکه پس از ایراد موجه و مؤثر ذینفع و در پرتو اتخاذ تصمیم تازه از جمله ارجاع به هیأت کارشناسی، مراتب بی‌اعتباری داده حاصل از قرار و نتیجه آن مبرهن شود.

۴-۱-۲. عدم شمول قاعده فراغ دادرس[1]

قرار اعدادی و تدبیر تحقیقی چون تصمیم پایانی دادرس در جریان رسیدگی نیست و آثار حکم و تصمیم ماهوی را به دنبال ندارد، مانع دادرس در رسیدگی به پرونده نخواهد بود. به واقع هدف و غایت بکارگیری این تدابیر، مهیا ساختن پرونده بمنظور تصمیم‌گیری ماهوی است و اشتغال دادرس به رسیدگی مبتنی بر آن، تداوم می‌یابد.

۴-۱-۳. فقدان اعتبار امر قضاوت شده[2]

تدابیر تحقیقی اگرچه از ماهیت ماجرا گزارش می‌دهد اما یک تصمیم ماهوی پایانی یا حکم تلقی نمی‌شود تا دارای اثر و اعتبار امر قضاوت شده باشد. دعوا در همین مرحله یا با از سرگیری در روند مقبول، دور از سایه نتایج تدابیر مزبور درخور رسیدگی و شنیدنی است.

۴-۱-۴. تصمیم موجد حق

تدابیر تحقیقی مادام که از اعتبار ساقط نشود همچون احکام قضایی می‌تواند بسته به نتیجه و دامنه نفوذ دارای وصف و اثر موجد حق باشد. نیز می‌تواند به تأسیس حق و وضعیت تازه‌ای بیانجامد. آنجا که حاصل این تکاپو برای نمونه حکایت‌گر فروپاشی اقتصادی یا ایستایی جریان اقتصادی و تجاری یک بازرگان است. از این رو می‌توان برای این قرارها نتیجه «کاشف در مورد حق موجود سابق- موجد در مورد حق جدید لاحِق[3]» در نظر گرفت.

۴-۱-۵. تاب‌آوری برابر دعوای ابطال و بطلان

دعوایی با خواسته ابطال یا بطلان تدابیر تحقیقی شنیدنی و پذیرفتنی نیست. زیان‌دیده از این تصمیم و نتیجه آن یا می‌بایستی مادام که دعوای در بردارنده قرار مزبور دارای حیات دادرسی است به آن تعرض نمود و دادرس را قانع به نادیده گرفتن آن یا صدور قرار

1. Lata Sententia, Judex Desinit esse Judex.
2. Res Judicata (Claim Preclusion).
۳. متین دفتری، دکتر احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، مجد، ۱۳۹۴، ش ۲۵۹.

مناسب در ارزیابی نتایج آن نماید و یا به اصل رأی مبتنی بر آن به یکی از گونه‌های عادی یا غیرعادی و یا نهایی شکایت از رأی، اعتراض نماید.

۴-۲. تدابیر تحقیقی و قاعده منع تحصیل دلیل به نفع اصحاب دعوا

تا پیش از وضع قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری در سال ۱۳۵۶ و ماده ۸ آن، دادرسان دادگاه‌های حقوقی ۱ و ۲ از بکارگیری تدابیر تحقیقی و صدور قرارهای اعدادی بدون درخواست دو سوی مناقشه، پرهیز می‌نمودند. دادرس ابتکار عمل را به اصحاب دعوا سپرده و به شکل سرخود مبتکر چنین تصمیمی نمی‌شد تا از گزند اتهام جانبداری نسبت به ذینفع تصمیم در امان باشد. ماده ۸ قانون یاد شده پس از ملاحظه نقش تماشاگری و دور از خلاقیت دادرسان حقوقی و به پاس اهمیت و ارزش‌های حقوقی مترتب بر قرارهای اعدادی مقرر داشته: « در رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی ارزش و موعد اقامه دلایل برای اصحاب دعوی همان است که در قانون آئین دادرسی مدنی پیش بینی شده ولی دادگاه می‌تواند هرگونه تحقیق و یا اقدامی را برای کشف واقع به عمل آورد. در مواردی که بر دادگاه معلوم باشد استناد یا تقاضای یکی از طرفین موثر در اثبات ادعا نیست دادگاه می‌تواند با استدلال از ترتیب اثر دادن آن خودداری کند». از آن پس دادرسان حتا بدون درخواست یکی از دو سوی دعوا در صورت تشخیص به لزوم کاربرد هریک از قرارهای اعدادی، مبادرت به اتخاذ آن نمودند.

دگرگونی آرایش دادرسی در نقطه کاربرد تدابیر تحقیقی پابرجا ماند تا اینکه قانونگذار در تازه‌ترین نسخه قانون آئین دادرسی مدنی؛ هم در حکم کلی ماده ۱۹۹ و هم در مقررات خاص (مواد ۲۴۸، ۲۵۷، ۲۶۳ و ۲۶۵ ق. آ. د. م) دادرس دادگاه اختیار سرخود برای اتخاذ هر یک از تدابیر تحقیقی دریافت نمود. همین‌طور شناسایی نتیجه حاصل از این قرارها در گرو بررسی و تشخیص دادرس است. برای نمونه ماده ۲۵۵ ق. آ. د. م آمده است: «اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل از امارات قضایی محسوب می‌گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد. » و یا ماده ۲۶۵ ق. آ. د. م مقرر می‌دارد: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد».

۴-۳. عقب‌نشینی از تدابیر تحقیقی و نادیده گرفتن نتایج آن

بنا به اصل پس از صدور قرار اعدادی، انصراف از آن و جریان دادرسی با عدول از این قرار امکان‌پذیر نیست. همچنین پس از دریافت نتیجه حاصل از قرار، بی‌اعتنایی به آن

و صـــدور رأی بر مبنای داده‌های مغایر بی‌وجه اســـت[1]. تخطی از این اصل بدون توجیه و استدلال درست می‌تواند تخلف و مشمول تعقیب و مجازات انتظامی برای دادرس باشد[2]. با این حال در موارد خاص که پایه و اســـاس قرار بی‌اعتبار شـــده و یا ضرورت اتخاذ آن از بین رفته و یا نتایج تازه‌ای بدست آمده که اعتبار قرار اتخاذ شده و نتایج آن را برهم می‌زند و همین‌طور دادرس متصدی شـــعبه تغییر یافته و اعتقادی به قرار صادر از همکار پیشـــین ندارد، عدول از قرار یا نتیجه آن امکان‌پذیر است.

۴-۳-۱. عدول دادگاه از صدور قرار یا نتیجه آن

پرسش این است که آیا دادگاه پس از صدور یک قرار اعدادی برای نمونه قرار کارشناسی پیش از دریافت نظریه کارشناسی یا حتا پس از آن می‌تواند رأی خود را بدون در نظر گرفتن قرار مزبور و یا در نتیجه حاصل از آن، صادر نماید؟ مســـلّم است هرگاه موضوعی که برای تشـــخیص آن، قرار اعدادی صادر شـــده، پیش از وصول نظر کارشناس به طریق دیگری که پس از صدور قرار ارائه شـــده (یا حادث گردیده) احراز شـــود و یا به طور کلی منتفی شود، عدول از قرار مجاز می‌باشد[3].

عدول از قرار اعدادی و انصراف از نتیجه آن محدود به مورد یاد شـــده نیســـت. افزون بر آن «در کلیه مواردی که دادگاه در صدور قرار کارشناسی، طریق قانونی و صحیحی را انتخاب نکرده و مرتکب اشتباه شود، به نظر می‌رسد عدول از آن جایز باشد»[4]. برای مثال چنانچه در هر مقطعی از دادرسی، دادگاه به این نتیجه برسد که اساساً انجام کارشناسی به لحاظ ماهیت و طبع موضوع ضرورت نداشته و احراز موضوع بررسی و رسیدگی به تشخیص خود دادگاه است[5].

---

۱. رأی شـــماره ۱۱۶۷/۱۱۳۱ مورخ ۱۳۰۷/۱۲/۲۷ دیوان عالی کشـــور: «فســـخ قرار رجوع به خبره در امری که خبرویت مخصوصه لازم دارد، جایز نبوده و موجب نقض اســـت مگر در موردی که طرف اقرار کرده باشـــد کـــه دیگـــر احتیاج به رجوع به اهل خبره نبوده و محکمه می‌تواند از قرار ســـابق خـــود عدول کند». نقل از: حسینی، سید محمد. قانون آئین دادرسی مدنی در رویه قضایی. انتشارات مجد. چاپ اول. ۱۳۸۰. ص ۱۷۱.

۲. بنگرید به: حکم شـــماره ۴۷۷۹ مورخ ۱۳۲۹/۰۸/۱۴ دادگاه عالی انتظامی: شهیدی، موسی. موازین قضایی (حقوقی- جزایی- اداری). انتشارات علمی. چاپ سوم. ۱۳۴۰. ش ۲۴۷. ص ۱۱۱.

۳. شمس، دکتر عبدالله. همان منبع. ش. ۴۹.

۴. حکم شماره ۲۲/۳۴۸۶۰ دیوان عالی کشور: «قراری که دادگاه صادر می‌کند دو قسمت است: عده از قرارها نهایی و به مثابه حکم بوده و تکلیف دعوا را تا یک اندازه معین می‌نماید که فسخ آن مجوزی ندارد و عده دیگر که در حین جریان امر و رسیدگی به طور اعدادی صادر می‌گردد از قبیل قرار ارجاع به کارشناس و یا رسیدگی به اعتبار سند. این قبیل قرارها ممکن است به جهتی از جهات موضوع آن منتفی و دیگر حاجتی به اجرای آن نباشد». به نقل از: بروجردی عبده، محمد. اصول قضایی- حقوق. مستخرجه از احکام دیوان عالی کشور. قسمت دوم. انتشارات رهام. چاپ اول. سال ۱۳۸۲. ص ۹۴. ش ۷۶۵.

۵. نهرینی، دکتر فریدون. آیین دادرسی مدنی. جلد سوم. فرآیند دادرسی و صدور رأی. چاپ دوم. ۱۴۰۰. ص ۱۶۹.

گذشته از موارد یاد شده می‌توان انصراف دادگاه از قرار اعدادی را در موارد زیر هم جستجو نمود:

۱. تغییر دادرس عهده‌دار رسیدگی و نگرش او بر بی‌نیازی از قرار اعدادی صادر شده از سوی همکار سابق یا بی‌اعتباری نتایج آن؛

۲. پیدایی مستند یا حکم تازه‌ای در بی‌اعتباری یکی از عناصر مهم قرار و یا نامشروع بودن نتایج آن مانند: تخلف انتظامی کارشناس مرتبط با نظریه در پرتو حکم انتظامی قطعی مرجع صالح یا حکم کیفری قطعی علیه مطّلع یا مطّلعین حاضر در جلسه تحقیق محلی؛

۳. دریافت تازه دادرس بر نادرست و خلاف واقع بودن نتایج حاصل از تدبیر تحقیقی به طریق درخور استناد؛

۴-۴. عدول از قرار از سوی اصحاب دعوا

در مواردی که یکی از دو سوی مناقشه، مبتکر جریان تدابیر تحقیقی است، پس از اتخاذ آن، امکان عدول از این درخواست بنا به اصل میسور نیست. برای نمونه وقتی خواهان درخواست صدور قرار کارشناسی یا تحقیق و معاینه محلی می‌نماید و دادرس دادگاه بر آن مبنا و تشخیص ضرورت اتخاذ، مبادرت به صدور قرار می‌نماید، دیگر جایی برای انصراف خواهان نیست و او ناگزیر به پیگیری نتیجه قرار مقدماتی است. با این حال چند پرسش درخور توجه است:

- در چه مورد یا مواردی متقاضی صدور قرار اعدادی می‌تواند از این درخواست صرف نظر نماید؟
- در رویارویی صدور قرار اعدادی به تشخیص دادرس دادگاه و بی‌نیازی از آن به درخواست اصحاب دعوا، کدام گزینه چیرگی می‌یابد؟
- طرفین دعوا آیا امکان توافق بر صدور یک تدبیر تحقیقی و تحمیل آن بر دادرس دادگاه را دارند؟

در پاسخ گفتنی است؛ پس از صدور قرار اعدادی عدول متقاضی از آن به شرطی پذیرفتنی است که متکی بر دلیل و توجیه درست باشد. برای نمونه دادرس دادگاه انصراف از قرار را موجه بیابد و در پرتو تصمیم تازه با استدلال مقبول از تصمیم خود عقب‌نشینی نماید. بطوری که قرار را با دلیل تازه به دست آمده در تعارض ببیند و یا مبنای صدور قرار را منتفی بداند. به هر روی هرچند در دادرسی مدنی ابتکار عمل با اصحاب دعوا هست اما آنها نمی‌توانند خواست ولو مشترک خود را بر تشخیص دادرس غلبه داده و دادرس را وادار

به صدور یک قرار تحقیقی نمایند. در هر حال در کشمکش دادرس با اصحاب دعوا بر سر صدور قرار یا استناد به نتایج آن، ملاک، تشخیص دادرس دادگاه است.

۴-۵. دامنه نفوذ و اثرگذاری تدابیر تحقیقی

هر یک از تدابیر تحقیقی در دامنه مؤدای آن و در پیوند با خواسته دعوا دارای اثر و کارکرد است. دادرس دادگاه بر پایه آنچه در قرار هدف‌گذاری نموده و به نسبت ره‌آورد آن در تناسب با خواسته دعوا، امکان استناد به آن دارد. او نمی‌تواند از این رهگذر خارج از اقتضای قرار یا با ورود در موضوع غیر مرتبط دریافتی داشته و اظهارنظر نماید. حاصل این تکاپو در حد اماره قضایی درخور بهره‌مندی است. از این رو در پیروی از نظام ادله قانونی که بر سیستم دادرسی ما سایه انداخته و در سلسله نقش‌آفرینی دلایل اثبات، مادام که اماره با یک دلیل اثبات (ماده ۱۲۵۸ ق. م) و دلایل تازه شناسایی شده چون ادله الکترونیک، ناسازگار نباشد، درخور توجه و استناد است و صدور رأی بی‌اعتنا به نتایج آن مسئولیت‌آور بوده و به اعتبار رأی آسیب جدی می‌زند (بندهای ج و هـ ماده ۳۴۸ و بندهای ۲، ۳ و ۵ ماده ۳۷۱ ق. آ. د. م).

با این حال دو نکته مهم درخور درنگ و تأمل است.

نخست اینکه؛ صدور یک قرار اعدادی و نتیجه دریافت شده از آن تنها در همان دعوا درخور استناد و بهره‌مندی است. با جستجو در رویه قضایی[1] جسته و گریخته آرایی دیده می‌شود که دادرس دادگاه با استناد به نتیجه یک تدبیر تحقیقی در پرونده‌ای دیگر که مدتها از تاریخ صدور رأی در آن گذشته و مرتبط با موضوع دعوای فعلی نیست، مبادرت به صدور رأی می‌نماید. این شیوه دادرسی خوشایند نیست، به ویژه با توجه به پیوند تنگاتنگ نزاع و حقیقت با عنصر زمان و دگرگونی‌های وارد بر عناصر دعوا، فرض پایداری اعتبار یک تدبیر تحقیقی در پرونده دیگر منطقی نیست[2].

دوم اینکه؛ تدابیر تحقیقی گاه تا بدان حد دارای نفوذ و اثرگذاری است که پرونده را مهیای اتخاذ تصمیم ماهوی ساخته و انصراف از سوی خواهان متقاضی صدور یا تعرض به آن شنیدنی نبوده و حتا درخواست انصراف از دعوا اماره‌ای بر یک دسیسه تلقی می‌شود! جریانی که در پی بیهوده ساختن حاصل تحقیق و انصراف دادگاه از صدور حکم است. در

آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure
ویژه‌نامه نکوداشت
قاضی حسن غفارپور
مراغی رئیس شعبه
سوم دیوان عالی
کشور، ایران - ۱۴۰۵

---

۱. سامانه آرای قضایی ara.jri.ac.ir

۲. دادنامه شماره ۱۴۰۵۹۳۰۰۰۶۸۷۶۰۷۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ صادر از شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان. در این دادنامه به نظریه کارشناسی در پرونده مختومه در سال ۱۳۷۸ در شعبه ۲۲ دادگاه عمومی سابق اصفهان استناد شده و مبنای اصلی رأی نظریه مزبور انتخاب شده است.

چنین حالتی دادرس نیک‌اندیش می‌تواند فرصت تمسک به بند (ب) ماده ۱۰۷ ق. آ. د. م را از خواهان گرفته و تنها گزینه بند (ج) ماده مزبور و سرنوشت سقوط دعوا را پیش روی او قرار دهد. رأی مغایر با این قاعده از سوی خوانده درخور تجدیدنظر و از سوی دادگاه عالی درخور نقض است[1].

نتیجه‌گیری

تدابیر تحقیقی نهاد ارزشمندی است که یاری‌گر دادرس دادگاه در پیدایی حقایق ماجرا، کشف واقع و تشخیص درستی یا نادرستی دعوا است. قانونگذار ما با درک این اهمیت و با پیروی از مقررات الهام‌بخش خارجی مبادرت به شناسایی آن برابر فصل دهم قانون آیین دادرسی مدنی در مبحث پنجم و ششم این فصل نمود. مواد ۱۹۹، ۲۱، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۴۸، ۲۵۷، ۲۶۳ و ۲۹۰ ق. آ. د. م از جمله مقرراتی است که مستقیم یا در نتیجه زمینه‌ساز تدبیر تحقیقی و قرار اعدادی است و دست دادرس را برای رسیدن به جریان ماجرا و حقیقت آن به کمک هر یک از این ساز و کارها باز می‌گذارد.

دادرس دادگاه در مواردی که پرونده را مهیای رسیدگی یافته و آسوده خاطر از نبود نقص و نارسایی شکلی به ماهیت مناقشه وارد می‌شود، به منظور تشخیص حقیقت امر می‌تواند سرخود یا بنابر درخواست موجه هریک از دو سوی دعوا، یک یا چند تدبیر تحقیقی را اتخاذ نماید.

صدور قرار مقدماتی یا تدابیر تحقیقی، دادرس و اشخاص درگیر در دادرسی را پایبند به نتایج آن نموده و تصمیم پایانی را وابسته به آن می‌نماید. مگر آنکه موجب قانونی و توجیه منطقی گریز از آن یا نادیده گرفتن یافته‌های حاصل از آن را امکان‌پذیر نماید.

اتخاذ قرار اعدادی یا تدبیر تحقیقی اگرچه در آغاز نشانه‌ای بر کامروایی ذینفع و متقاضی است و چشم‌انداز دسترسی به تمام یا بخشی از موضوع ادعا را برای وی ترسیم می‌سازد اما فراتر از آن اماره‌ای بر کنجکاوی، تیزهوشی، ابتکار عمل و حقیقت خواهی دادرس دادگاه است. چه او بدین وسیله اهتمام خود را به ایفای رسالت و مأموریت ذاتی و دغدغه رسیدن به عدالت نمایان می‌سازد.

این ابتکار هرگاه از قاضیان دادگاه‌های عالی در مقام رسیدگی تجدیدنظری و یا قاضیان دیوان عالی در مقام رسیدگی فرجامی یا اعاده دادرسی دیده شود، ارزش دو چندانی یافته

۱. دادنامه شماره ۱۰۱۶ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۷ صادر از شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران: موسوی، دکتر سید عباس. رویه قضایی- بازتاب اصول و قواعد حقوقی در آرای دادگاه‌های عالی. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه. چاپ نخست. ۱۴۰۴.

و آثار شایســته‌ای بر جای می‌گذارد. موقعیت ممتاز و نقش الهام‌بخش ایشــان و به قاعده نگارش درســت و بجای قرار اعدادی رویه قضایی را پربارتر ساخته، اعتماد دادخواهان و ستم‌دیدگان را به دادگستری برانگیخته و دلالت و الگوی عمل سازنده‌ای پیش روی قاضیان در مراجع پایین‌دست قرار می‌دهد.

بر این پایه و به مناسبت نکوداشت شخصیتی که از فحول جامعه قضایی است و بیش از پنج دهه از عمر گران‌بهای خود را وقف خدمات قضایی و برپایی عدالت نمود، با جستجو در آرای ارزشــمند ایشــان و گزینش یک رأی با محوریت قرار تحقیق و معاینه محل، ابعاد این تصمیم، ارزش‌های حقوقی و قضایی آن را در این پژوهش شــکافته و و نتیجه حاصل را هرچند کم‌توشه و پشتوانه، بر سفره سره ایشان تقدیم می‌دارم.

منابع

الف- منابع فارسی و عربی:

۱. بروجردی عبده، محمد، اصول قضایی- حقوق، مســتخرجه از احکام دیوان عالی کشــور، قســمت دوم، انتشارات رهام، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.

۲. جعفری تبار، دکتر حسن، دیو در شیشه. فلسفه رویه قضایی، نشر نگاه معاصر، چاپ یکم، ۱۳۹۶.

۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، دوره حقوق مدنی- ارث، جلد نخست، چاپ ششم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.

۴. حسینی، سید محمد، قانون آئین دادرسی مدنی در رویه قضایی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵. شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ ۱۵، ۱۳۸۶.

۶. شهیدی، موسی، موازین قضایی (حقوقی- جزایی- اداری)، انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۴۰.

۷. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه کتاب مکاسب، جلد نخست، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۰.

۸. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، اللمعه الدمشقیه و الروضه البهیه فی فقه الامامیه، بیروت، دار التراث، چاپ نخست، ۱۴۱۰ ه. ق.

۹. کاتوزیان، دکتر ناصر، اعتبار امر قضاوت شــده در دعوای مدنی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.

۱۰. متیــن دفتری، دکتر احمد، آئین دادرســی مدنی و بازرگانی، مجمع علمــی و فرهنگی مجد، چاپ پنجم، ۱۳۹۴.

۱۱. محســنی، دکتر حســن، آیین دادرسی مدنی فرانسه، جلد نخست، شرکت ســهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.

۱۲. محسنی، دکتر حسن، اداره جریان دادرسی مدنی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹، چاپ پنجم.

۱۳. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، انتشارات الهادی، ۱۳۷۷، جلد نخست.

۱۴. موسوی، دکتر سید عباس، رویه قضایی- بازتاب اصول و قواعد حقوقی در آرای دادگاه‌های عالی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ نخست، ۱۴۰۴.

۱۵. موسوی، دکتر سید عباس، قرارهای آماده ساز رأی دادگاه، مجمع علمی فرهنگی مجد: majdpub.ir.

۱۶. موسوی، دکتر سید عباس، مهارت‌های دادرسی، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۴۰۴.
۱۷. نهرینی، دکتر فریدون، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، فرآیند دادرسی و صدور رأی، چاپ دوم، ۱۴۰۰.

ب- منابع انگلیسی و فرانسه:

18. Burrows. Andrew, 2014, Judgement – Writing: An Academic Perspective, FBA, Legal Research Paper Series.
19. E. Garsonnet et Ch. Cesar Bru. , Traité Théorique et Pratique de Procédure Civile et Commerciale. Gale, Making of Modern Law. 2013. 3e ed. Tome 3.
20. Cécile Chainais, Frédérique Ferrand, Serge Guinchard & Lucie Mayer, Procédure civile, Paris, (Dalloz) 2019.